



روابط عمومی از نگاه رئیس مجمع تشخیص مصلحت

طور وسیعی درگیر هستیم ، این گردنه جنگ تبلیغاتی و روانی است .

امروزه بین ابرقدرت‌ها مسئله جنگ در فضا و چگونگی خنثی کردن موشکها مهم است . بین ما و دنیای استکباری جنگ در مرحله روانی و تبلیغاتی است . دشمن راه حل‌های اقتصادی را آزمایش کرد، اما دیدند که محکمتر شده‌ایم . مسائل نظامی را مطرح کردند و دیدند به نفع ما تمام شد . تروریسم را مطرح کردند که به واسطه آن نیز جامعه ما از نیروی‌های فاسد و منافق تصفیه و این قبیل

حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام در زمان ریاست جمهوری با روابط عمومی‌ها دیدار و اظهار داشتند:

اگر روابط عمومی‌ها منسجم و متحد و یکپارچه و حساب شده کار بکنند ، در این نقطه حساس نیاز جامعه ما می‌توانند نقش مهمی را در چند سال آینده داشته باشند. در شرایطی که ما مراحل و گردنه‌های زیادی را پشت سر گذاشته‌ایم و چندی است در یک گردنه خاص با دشمن به

● روابط عمومی‌ها وظایف عمده‌شان این است که آن‌ها حقایقی که در اداره متبوع آن‌ها می‌گذرد را منعکس بکنند، آن قوتی که در اداره هست، اخبار صحیحی که در آنجا اتفاق می‌افتد.

که این انتقاد دل مردم را خالی نکند و سیاست دشمن را اجرا ننماید. لذا من هشدار می‌دهم به ملت‌مان که به کسانی که به مسائل انقلاب و دولت و جریان‌های خدمت‌گزار مملکت بی‌مهربانی می‌تازند، اگر اطمینان به آن‌ها ندارند، باشک به آن‌ها نگاه کنند، و در کل دنیا هم با این رادیو و روزنامه‌ها واقعاً یک توطئه وسیع و حساب شده‌ای است که کارگردان آن سازمان‌های اطلاعاتی هستند. صهیونیستها، امپریالیستها و کمونیستها دست به هم داده‌اند و یک حرکت تبلیغاتی گسترده‌ای را علیه ما شروع کرده‌اند، و من فقط به یک نمونه اشاره می‌کنم ولی این مسئله را باید تعقیب کرد. افرادی با هوش لازم داریم که اینها را تحلیل کنند، نقاط و رگه‌های برنامه ریزی شده دشمن را پیدا و قطع کنند. مثلاً داستان اسرا، که مثل آن را خیلی داریم، شما این داستان را تجزیه و تحلیل بکنید. قضیه از صلیب سرخ شروع می‌شود، با یک حادثه‌ای که کاملاً برای ما روشن است که آن‌ها خودشان محرک قضیه بوده‌اند یعنی وقتی برای بازدید و ملاقات از اسرا رفتند، حادثه‌ای درست کردند. اسرای بعضی را تحریک کردند و بعد هم در دنیا هیاهویی به راه انداختند که واقعاً غیر عادی بود، یعنی از قبل برنامه ریزی کرده بودند. یک دفعه ما دیدیم در کشورهای کوچک هم برنامه ریزی شد برای روزنامه‌هایشان، که مسابقه پوستر تهیه کردن درباره

عناصر طرد شدند. اگر هم یک امیدی داشتند که در یک کوران سیاسی در مملکت توسط گروه‌های مخالف ناآرامی ایجاد کنند، به واسطه نفرتی که از فعالیت تروریستی اینها در دل مردم ایجاد شد، حربه تروریسم هم کارآیی‌اش را از دست داد. من احساس می‌کنم که دشمن امروز بیشتر روی جنگ تبلیغاتی حساب می‌کند، به این جنگ تبلیغاتی با همه ابعادش الان از طرف همه دشمنان ما دامن زده می‌شود. شیوه‌ای در مملکت دنبال می‌کنند که من اسمش را می‌گذارم سیاست «تو دل خالی کن» یعنی می‌خواهند ذهن و دل مردم را با تبلیغات مسموم خالی بکنند و قلمداد نمایند که این انقلاب خدمت مؤثری برای جامعه انجام نداده‌است و به این کار مدتی است در سطح وسیع مشغول هستند. می‌خواهند با ادعاها و آمار و ارقام دروغ دادن در مورد زندانی‌ها، اعدامی‌ها، تلفات جنگ و نادیده گرفتن خدماتی که در نقاط محروم در روستاها و در کل کشور از لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سایر ابعاد انجام شده، شایعه پراکنی کنند و دل مردم را خالی کنند تا پشتوانه مردمی را از انقلاب بگیرند. در این راه متأسفانه گاهی دوستان خوب هم بدون توجه در خدمت آنها قرار می‌گیرند. آنها از روی دلسوزی می‌خواهند انتقاد کنند، اما انتقاد به حربه‌ای در راه دشمن تبدیل می‌شود. انتقاد چیز خوبی است و باید باشد اما یک زیرکی میخواهد

● انتقاد چیز خوبی است و باید باشد اما یک زیرکی می‌خواهد که این انتقاد دل مردم را خالی نکند و سیاست دشمن را اجرا نماید .

● اگر روابط عمومی‌ها منسجم و متحد و یک پارچه و حساب شده کار بکنند در این نقطه حساس نیاز جامعه ما می‌توانند نقش مهمی داشته باشند .

هر اسیری که خودشان خواستند به طور سری مذاکره کردند و دیدند که حرف دیگری است . آنها در ممالک خودشان هم چنین اردوگاههایی ندیده بودند و با تعجب دریافتند که اسرای چهارساله برای جمهوری اسلامی نقطه قوتی شده‌اند و آماده‌اند از اردوگاهها بیرون بیایند و به نفع جمهوری اسلامی و علیه صدام وارد جنگ بشوند ، لذا این هیأت در تدوین گزارش دچار دشواری شدند و فشارها از اطراف شروع شد و دیدند که اگر این گزارش تهیه بشود ، همه ادعاها برعکس خواهد شد در تمام متن گزارش هم که دقت بکنیم می‌بینیم در سراسر آن تنها نقطه که برای جمهوری اسلامی عنوان کرده‌اند ، این است که ایران از لحاظ تبلیغاتی و ایدئولوژیکی روی اسرا کار می‌کند و حال آنکه این نقطه قوت ما است اینها با آن تفسیر که کرده‌اند خواسته‌اند بدی ما را بگویند اما در واقع مدح کرده‌اند .

ملت ما می‌داند ، دنیا هم می‌داند ، مگر می‌شود چیزی را به زور در ذهن و فکر و مغز یک آدم بزرگ وارد کرد و یا عقیده‌ای را بر کسی تحمیل نمود . حداکثرش این است که طرف سکوت می‌کند . افسری که دوره ستاد را هم دیده و امروز اسیر ما است ، مگر می‌شود به زور از او حزب الهی ساخت . بلکه باید گفت زندگی و رفتار و برخورد ما ، صدا و سیما ، روزنامه‌ها و مأمورین ما طوری بوده‌اند که اسرا خود به این نقطه رسیده‌اند ، و این بی‌انصافها اسم این را

حادثه اردوگاه اسرا راه می‌افتد . روزنامه‌ها ، رادیوها ، مجامع بین المللی ، سازمانهای مثلاً وابسته به پارلمانهای دنیا شروع کردند و سازمان ملل را هم به میان کشیدند و آنها برنامه ریختند که بیایند و ایران را ببینند . آن روز ما حرف حقی را مطرح کردیم . گفتیم ما ادعایمان نسبت به عراقها خیلی بیشتر است . اگر می‌خواهید اول به عراق بروید و بعد به ایران بیایید ، یک مدتی تأخیر انداختند و بالاخره عراق تسلیم شد و یک شکست خورد ، یعنی ما اعتراض کردیم که شما چرا اتهام را متوجه ایران کرده‌اید . ما سالهاست می‌گوییم در عراق اسرای غیر نظامی داریم ، وزیر ما آنجاست . شما اصلاً به حرف‌های ما گوش نمی‌دهید . بعد که اینجا آمدند ، آنها فکر نمی‌کردند از بس دروغ گفتند ، خودشان هم باور کردند ، این طبیعت دروغ است . از بس همه رسانه‌ها گفتند ، خود این سازمانها که طراح این هستند ، گفتند شاید یک چیزهایی باشد .

وقتی که اینجا آمدند با اطلاعاتی که ما از داخل هیأت سازمان ملل داریم این است که اینها شوکه شده بودند . وقتی به اردوگاههای ما رفتند چیز عجیبی دیده بودند ، آنها دیده بودند این اسرا با اینکه چهار سال است که اسیر هستند با این حال شیفته نظام جمهوری اسلامی ایران شده و عاشقند و بیشتر از حزب الهی‌های خودمان به نفع جمهوری اسلامی و بر علیه صدام و آمریکا شعار می‌دهند . حتی در مورد حادثه گرگان هیأت سازمان ملل با

● باید با مطرح کردن مسائلی که در اداره شما اتفاق می افتد و روشن شدن این مسائل تبلیغات دیگران خنثی شود .

● باید روابط عمومی‌ها بتوانند جامعه را به درستی هدایت بکنند و جواب دشمنان را بدهند تا در جنگ تبلیغاتی و جنگ روانی پیروز شویم .

بی انصافها ، این فشار با آن فشار یکی است؟ شما در دنیای متمدن هستید؟ بعد این را دست رسانه‌های گروهی دادند . این قدر غیر منصفانه این روزنامه‌ها و بعضی از رادیوها برخورد کردند که آدم از چگونگی تبلیغات اینها حالت تهوع می‌گیرد. خبیث‌تر از همه، روزنامه‌های ترکیه هستند که حالا ادعای دوستی هم با ما دارند ولی اینها بالاخره از تیره همان آتاتورک هستند که شبیه رضاخان در اینجا بود. اینها آن زهری که می‌توانستند در روزنامه‌هایشان پاشیده‌اند . همه حرف هم این است که در ایران در اردوگاهها برای سربازان عراقی تبلیغ دینی می‌شود . اسم این را شکنجه گذاشتند . آن هم تبلیغی است که بسیاریشان به اسلام گرایش پیدا کرده‌اند . حالا روابط عمومی‌ها وظایف عمده‌شان این است که آن حقایقی که در اداره متبوع آنها می‌گذرد را منعکس بکنند . آن قوتی که در اداره هست ، اخبار صحیحی که در آنجا اتفاق می‌افتد و آن چیزی که برای ملت خوراک میشود که ملت بفهمند که انقلابشان چه برایشان آورده است را باید منعکس کنند . باید با مطرح کردن مسائلی که در اداره شما اتفاق می‌افتد و روشن شدن این مسائل تبلیغات دیگران خنثی شود و زمینه در دست دستگاههای تبلیغاتی ما قرار گیرد که اینها بتوانند جامعه را هدایت بکنند و هم جواب دشمنان را بدهند تا بتوانیم در این جنگ تبلیغاتی و جنگ روانی پیروز درآییم .

فشار ایدئولوژیکی گذاشته‌اند . اگر فشار ایدئولوژیکی است چطور آن یعنی‌هایشان آمدند و عده‌ای دیگر از اسرا را کشتند . با اینکه در شرایط مساوی با دیگران قرار داشتند ، در یک اردوگاه اکثریتی عقیده‌شان عوض شد و اقلیتی هم همان عقیده قبلی را دارند . اگر این آقایان واقعاً منصف بودند می‌دیدند که همان موقع هم که اینها در خرمشهر اسیر شدند ، فی البداهه علیه صدام شعار می‌دادند . اینها از داخل سنگرشان که بیرون می‌آمدند احساس آزادی می‌کردند این طور نبود که خیال کنند همه اینها را ما ساخته‌ایم . بسیاریشان از صدام متنفر بودند وقتی اسیر شدند در اینجا آزاد شدند و بسیاری از خانواده‌هایشان هم پس از اسارت فرزندانشان فرار کردند و به اینجا آمدند و در اردوگاهها هم با آنها ملاقات می‌کنند . معکوس این در اردوگاههای عراقی است که اسرای ما در آنجا هستند . آنها دائماً برنامه‌های رقص در تلویزیون برای بچه‌های ما می‌گذارند ، موزیک و موسیقی و چیزهایی که خودشان می‌خواهند می‌گذارند . ما هم هیچ حرفی نداریم هر چه دارند بگذارند . ببینید سازمان ملل برای اینکه یک نکته‌ای در این قضیه بگذارد که خوراک موقتی برای رسانه‌های استکباری باشد یک ابهام ایجاد کرد . گفت دو طرف فشار می‌آورند اما در ایران فشار ایدئولوژیکی است و در عراق فشار باطوم و شلاق و شوک الکتریکی است ، شکنجه بدنی و بی‌خوابی است .